گروه تلاش برای نهادینه شدن حقوق بشر در ایران (مهر ایران)

Mission for Establishment of Human Rights in Iran (MEHR IRAN)
P.O. Box 2037, P.V.P., CA 90274
Tel: (310) 377-4590 ; Fax: (310) 377-3103
E-Mail: mehr@mehr.org ; URL: http://mehr.org

تفاوتهای بنیادی بین کوششهای دستیابی به حقوق بشر و کوششهای حزبی

این نوشته ناظر بر دو نکته هست: اول اینکه طرفداران شرمگین رژیم اسلامی از سر ستیز و برخی دیگر هم شاید با حسن نیت، این تفکر به گمان ما اشتباه را عنوان میکنند که کارهای مربوط به حقوق بشر سیاسی نیست و لذا هر حرکتی را که بنوعی با حاکمیت برخورد میکند رد میکنند و از اینرو طرح مسائل حقوق بشر را تنها در گستره آموزش و پند و اندرز و غیره میبینند. نکته دیگر این که جایگاه گروه های حقوق بشری نیز از نظر فعالان سیاسی ما که اکثرا در قالب سازمانها و احزاب سیاسی فعالیت کرده اند، چندان روشن نیست. و این ناروشنی وقتی مسئله ساز میشود که میخواهند در رابطه با این گروهها کارهای مشترک حقوق بشری بنمایند.

گروه ها و افرادی که مبنای کارشان حقوق انسانهاست، در تلاش آنند که این حقوق را بطور جهان شمول تعریف نمایند و احترام به آن و اجرای آنرا از راه های گوناگون و از جمله تدوین قوانین بین المللی تامین نمایند. پاره ای از این حقوق که حاصل سالها تلاش‌است، در بیانیه جهانی حقوق بشر و میثاقهای مربوط به آن گنجانده شده و میزان و ملاک کار فعالان و گروهای حقوق بشر میباشد. هدف نهائی اینست که این مبانی از صورت یک ایده و نیت بیرون آید و در جوامع مختلف نهادینه شود و دارای انچنان شکل قانونی گردد که ضامن حفظ حقوق بشر شود. این هدف مستقل از نوع حکومت ها، ایدئولوژی آنها، اشکال اقتصادی و شرایط محلی و جغرافیائی دنبال میشود و از اینرو تابع حکومتها، سنتها شرایط جغرافیائی نیست. شکی نیست که در دراز مدت مثل هر پدیده دیگری، اثرات متقابلی بین شکل و ماهیت و کیفیت خواستها و اهداف انسانی و عوامل بر شمرده شده وجود دارد. این اثرات متقابل است که در طی سالها باعث تکامل و بسط ایده حقوق بشر شده و همیشه هم ادامه خواهد داشت.آنانکه انگشت بر پاره ای کمبود ها و نارسائیها و حتی تناقضات بیانیه حقوق بشر میگذارند، باید توجه کنند که این مبانی نیز مانند همه پدیده های دیگر پویاست و تکامل پذیر، منتها برای آنکه جهان شمولی خود را حفظ کند نوع حرکتش ایدئولوژیک نیست.

تعریفی فشرده از کار سیاسی با توجه به ابعاد گسترده و برداشتهای متفاوت از آن کار دقیقی نیست. با این توجه، میتوان گفت که یکی از شاخص های عمده کار سیاسی اتخاذ مواضع و روشهای عملی در برخورد به مسائلیست که بنحوی ما را در کنار و یا در مقابل حاکمیت قرار میدهد. در جوامع غربی که کمترین میزان حقوق اولیه انسانها از تعرض عریان فرمان روایان مصون است، شاید بتوان بعنوان یک فرد و یا یک گروه حقوق بشری بنوعی خود را از رویاروئی و یا همراهی با جناحهای مختلف حاکمیت، کنار کشید و ولو به سهو مدعی شد که ما را با سیاست کاری نیست. افراد به خاطر نوع لباس، آرایش، بیان نظرات اجتماعی، سیاسی، و یا تشکیل اجتماعات وغیره مورد تعرض قرار نمی گیرند و گروههای حقوق بشری نظیر سازمان عفو بین الملل به خاطر تلاش برای لغو مجازات اعدام مفسد فی الارض نمی گردد.

از طرف دیگر فعالیت برای استقرار مبانی حقوق انسان، در جوامعی مانند ایران بطور ناگزیر شکل سیاسی پیدا میکند. در اینگونه جوامع هر خواست طبیعی، هر حرکت متعارف و طلب هر یک از حقوق انسانی و طبیعی در تعارض با حاکمیت قرار میگیرد، از جانب حاکمیت منع میشود و در نتیجه به یک حرکت سیاسی تبدیل میشود. در جامعه ما هر حرکتی ولو برای خواست حقوق ابتدائی انسانی، یک حرکت سیاسیست. اگر کسی بخواهد پوشش دلخواهش را داشته باشد، با مخالفت حکومت اسلامی مواجه میشود و اگر این خواست را ترویج کند و برای تحققش عملی انجام دهد، با مخالفت حکومتگران، و عواقبی چون زندان و شلاق و غیره مواجه خواهد شد. نتیجتا این عمل، رویاروئی با اراده و خواست حکومت اسلامیست و لذا سیاسیست. هر خواست معمولی و پیگیری در مورد آن با این استدلال یک عمل سیاسی خواهد بود. بنابراین این اندیشه نسبتا رایج در خارج کشور را که ما کار سیاسی نمیکنیم و یا فعالیتهای حقوق بشر سیاسی نیست یا نباید باشد را بر اساس تعاریف و شناختی که ما داریم باید نادرست خواند. چنین تفکری که بیشتر از جانب طرفداران شرمگین رژیم مطرح میشود عدم برخورد به سیستم ظلم و ستم و لذا کمک به استمرار آنرا عملی سیاسی نمیداند، اما هرگونه برخوردی با قدرت حاکم را چون سیاسی است از محدوده دفاع از حقوق بشر خارج میداند. اگر در برخورد به مسائل ایران بخواهیم سیاسی نباشیم، باید بنشینیم و ناظر اقدامات ضد بشر رژیم باشیم و به پند و اندرز بسنده کنیم. و این همان چیزیست که این هواداران شرمگین رژیم اسلامی از ما میخواهند.

رژیم اسلامی که بعلت پیروی از اقتصاد دلالی و چپاول وغارت حکومتگران و نهادهائی چون بنیاد مستضعفان، به ورشکستگی اقتصادی کشانده شده است سخت در تلاش ایجاد رابطه با غربست تا بتواند نیروی سرکوب خود را بازسازی کند، فعالیتهای پر خرج خود را در برون مرز سامان دهد و از انفجار درون مرز جلوگیری کند. از اینروست که برای اینکه واجد شرایط دریافت وام از بانک جهانی شود و به عضویت تشکیلات تجاری جهانی در آید، لازم میداند که در کنار آزار، زندان، شکنجه، و کشتار آزادیخواهان ما، تلاش کند تا چهره کثیف خود را در برون مرز در پوشش برپائی نمایشا هایی چون تمدنها، ایجاد کنفرانسها، و در پرتو فعالیت شدید لابی گرانی چون شورای ایرانی -امریکائی و دها گروه مشابه به گونه ای دیگر جلوه دهد تا مخالفت مردم دنیا را در تجدید رابطه با سیستم ظلم خود برانگیخته نکند. اگر چنین امری تحقق یابد بازتاب نقض حقوق بشردر ایران بیش از همیشه مشگل خواهد شد. واضح است که اگر روزی منافع دولتهای غربی و تشکیلات تجاری امریکا و دنیا با موجودیت این رژیم گره بخورد، دنیا بیش از بیش چشمش را بر جنایات این رژیم خواهد بست.

از اینروست که مقابله با این تلاش فراگیر برای ایجاد رابطه بدون قید و شرط با یکی از بزرگترین ناقضان حقوق بشر در دنیا، امری بی نهایت کلیدی در دفاع از حقوق بشر در ایران میباشد. در طرح این مسئله که رژیمی را که جنایت میکند و مرتکب اعمال تروریستی میشود جنایتکار و تروریست بخوانیم و خواهان عدم ارتباط وکمک به آن شویم، نباید به خرابکاریهای طرفداران رژیم در این مورد بها داد. هدف کوشندگان راه آزادی و مدافعان حقوق انساها، دریافت مدال حقوق بشر از کسانی که در قبال جنایات سکوت میکنند نیست و نباید باشد.

فعالیتهای حقوق بشر با وجود اینکه سیاسی است، خطی، حزبی و ایدئولوژیک نیست و وجه تمایز بسیار مشخصی بین گروه های فعال در زمینه حقوق بشر و سازمانها و گروه های متعارف سیاسی وجود دارد. فعالان و گروه های حقوق بشر دنبال کسب قدرت سیاسی نیستند، اتکای ایدئولوژیکی ندارند و حفظ حقوق انسانها را در قالب شکل حکومتی و اقتصادی مطرح نمیکنند. به همین دلیل کارشان با آمدن و رفتن این یا آن رژیم پایان نمی پذیرد. مسائل حقوق بشر را وسیع تر از آن می بینند که دگرگونی های رو بنائی بتواند اثرات بنیادی بر آن نهاد. تلاش برای نهادینه کردن حقوق بشر در ایران و مجازات جنایتکاران با رفتن رژیم اسلامی نه تنها پایان نمی یابد بلکه در اشکال وسیعتری جریان خواهد یافت و صرفنظر از آنکه حکومت فردای ایران چه

خواهد بود، خواستهای ما در رعایت حقوق بشر دو چندان خواهد شد. هشیار خواهیم بود که دیگر اعدامهای روی پشت بام تکرار نگردد، که حقوق آلوده ترین فرد این رژیم نیز حفظ شود، تا آلودگیهای دستگاه جور و ستم از جامعه ما رخت بر بندد. و صرفنظر از اینکه چه شخص و چه رژیمی مرتکب خلاف و جنایت شد، عدالت خواهی را فراموش نکنیم.

ازاینروست که یک سازمان و گروه حقوق بشری یک حزب سیاسی و ایدئولوژیک نیست و لذا رقیب هیچ سازمان و حزب سیاسی هم نمیتواند باشد. هر سازمان و گروه سیاسی اگر بخواهد به مسائل حقوق بشر توجه کند، باید بتواند کارهای یک گروه حقوق بشری را بدون چشم داشت و بدون بده و بستانهای رایج حمایت کند. گروه های سیاسی ما هر چند به این درک رسیده اند که آنجا که قصد کاری مشترک را با دیگر سازمانها دارند باید از تاکید بر هویت خودشان و اهداف و باورهای مرامی خود، پرهیز کنند. منتها پاره ای از آنان با برداشتی اشتباه، همین را از گروه های حقوق بشری نیز طلب دارند. تجاربی که ما در زمینه کارهای مشترک با پاره ای از گروه های سیاسی داشتیم، این‌اشکال را عملا برجسته کرد و متاسفانه این درس را بما داد که راه درازی تا رسیدن به درکی مشترک در مورد کارهای حقوق بشر وجود دارد.

"بنیاد مهر" نه بدنبال قدرت سیاسیست، نه فردی یا گروهی را که بدنبال دستیابی به قدرت سیاسی در ایرانست، پشتیبانی میکند، و نه از هیچ گروه سیاسی-مذهبی ایرانی و غیر ایرانی کمک مالی دریافت میکند.

"بنیاد مهر" معتقد است که جامعه ما نیاز به نهادهائی دارد که بجای چشم دوختن به قدرت سیاسی رسالت خود را در زیر نظر گرفتن نهاد های حکومتی و حراست از مبانی حقوق بشر گذاشته باشند. بنیاد مهر در تلاش آنست که خود را شایسته آن سازد که دیدبان حقوق بشر در ایران باشد و امروز اگر ناظر بر حکومت فعلیست و افشاگر جنایات آن، فردا بر جانشینان آن نظارت کند و وعده های آنان را در مورد احترام به حقوق انسانها با اعمالشان بسنجد. مدعیان قدرت سیاسی در ایران اگر به حراست از حقوق بشر اعتقاد واقعی داشته باشند باید از این نهادهای دیدبان استقبال کنند. از ویژه گیهای دیگر گروه ها و افراد فعال در زمینه حقوق انسان، پا بر جائی و تزلزل ناپذیری آنها در برابر تحولات سیاسیست.

نگرش عام و جهان شمول به حقوق بشر باعث میشود که خواستهای آزادیخواهانه ما و احقاق حقوق بشری ما تابع چهره های مختلف سیاسی، جناح بندیهای آنها و ملاحظات ناشی از آن نباشد. ما ثابت قدم هستیم و استوار بر اندیشه خود. اندیشه ای که میگوید آزار و زندان وشکنجه و اعدام تحت هیچ شرایطی حق انسان نیست و هر آنکه عامل آنهاست، از انجام آنها مطلع است و چشم بر آن می بندد، آگاه است و مجرمان را افشا نمی کند، بر اساس قوانین بین المللی مجرم است و باید به مجازات برسد.

اینست راه و رسمی که با گذشت زمان ، آمد وشد این یا آن چهره رژیم و یا حتی کلیت این یا آن رژیم تغییری نمی یابد بلکه کاملتر و پویا تر به نسل های دیگر منتقل خواهد شد.